



حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

پنجشنبه ۱۹-۵-۱۳۶۴

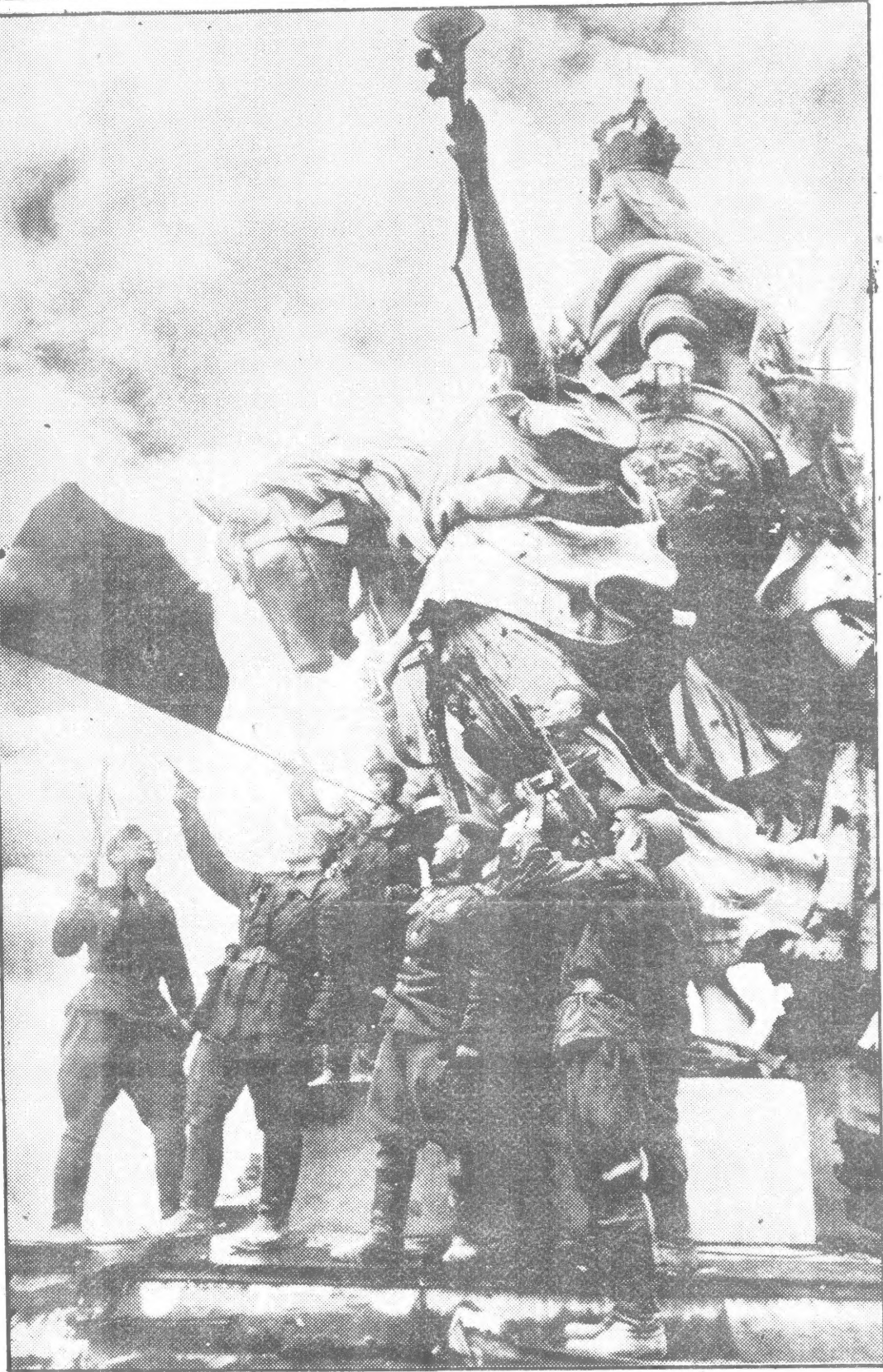
May, 9, 1985.

سال پنجم شماره ۲۱۲

شماره مسلسل ۱۱۲۴

سال تأسیس ۱۳۵۹

فرخنده باد چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم هتلری



هنگامیکه مدال یادگاری جنگ کبیر میهنی به سینه رفیق بیک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ج. د. خ. ا. و رئیس شورای انقلابی ج. د. خ. ا. تعلق می گردد.

اشتراک در گرد ده‌م‌آیی بزرگ

مدال یادگاری جنگ کبیر میهنی به رفیق بیک کارمل تفویض گردید

مدال یادگاری سال های ۴۱ - ۴۰ جنگ کبیر میهنی دیروز طی مراسم شانزدهم در مسکو به سینه رفیق بیک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی شوروی دموکراتیک افغانستان تعلق گردید. در اخیر

شلیک های پیروز مندانه
بر فراز رایش تانک

جلسه باشکوه در مسکو

طبق گزارش آنس‌خبر رسانی تاس، گرد هم آیی به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی مردم شوروی در جنگ کبیر میهنی (۱۹۴۱-۱۹۴۵) دیروز در مسکو دایر گردید. قهرمانان اتحاد شوروی و قهرمانان کار سوسیالیستی، در یافت کنندگان نشان های افتخار و افتخار کار که از تمام جمهوریت های متحد، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به خاطر شرکت درین مراسم وارد مسکو شده اند و نمایندگان زحمتکشان و عساکر قوای مسلح اتحاد شوروی در قصر کنگره های کرملین جا بیکه این گردهم آیی دایر گردیده حاضر بودند. درین گردهم آیی هیأت های حزبی و حکومتی کشور



رفیق میخائیل گورباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی حین ایراد بیانییه در جلسه باشکوه تجلیل از چهلمین سالگرد پیروزی بزرگ اتحاد شوروی بر فاشیسم در تالار کاخ کنگره ها در مسکو (تیلی فوٹو)

پیام تبریکیه

انداخته بود تلاش میور زید سوسیالیزم، این پیشرفته ترین نظام اجتماعی در جهان را از روی زمین محو ناپود کند، اما فاشیسم با شکست کمر شکن مواجه گردید در جریان جنگ کبیر وطنی همه مزایای سوسیالیسم، امکانات عظیم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و معنوی آن، تبارز یافت. خلق شوروی و قوای مسلح دلیر آن تحت رهبری حزب کمونیست لنینی اتحاد شوروی با موفقیت از آزادی و استقلال وطن خود دفاع و سیم فیصله کن را در آزادی خلقهای اسیر اروپا و آسیا از یوغ فاشیسم هتلری و ملیتاریزم جایان ایفا کردند. در آتش جنگی که فاشیسم این مولود سیاه نیروهای امپریالیزم و ارتجاع برافروخته بود، خود شسوخ نتایج جنگ دوم جهانی تأثیرات نیرومندی بر جریان تکامل جهانی گذاشت در نتیجه پیروزی اعتبار بین المللی نخستین دولت زحمتکش در جهان کشور شوروی به طور بی نظیر ارتقاء یافت، مواضع نیروهای مترقی و دموکراتیک تحکیم یافته شرایط مساعد برای مبارزه توده های مردم به خاطر رهایی اجتماعی و ملی شان ایجاد گردید و تأثیر و نفوذ احزاب کمونیستی کارگری و دموکراتیک توده ای افزایش پذیرفت. جامعه همبستگی سوسیالیستی در راه سرانجام اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بر جود آمد و موفقا نه رشد میکند جنبش های آزادی بخش ملی قوت گرفت و سیستم استعماری امپریالیزم فرو ریخت. مثال تمایل شکست ناپذیر خلقها برای تعیین سرنوشت خود بدست خود یکی هم انقلاب ملی-دموکراتیک ثور در کشور ما ست که خلق آزادی دوست افغان تحت رهبری پیشاهنگ خود حزب دموکراتیک خلق افغانستان آنرا به پیروزی رسانید.

از طرف کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، هیأت رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، پیام آتی به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی خلق قهرمان اتحاد شوروی، جنگ کبیر میهنی و غلبه بر فاشیسم هتلری عنوانی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، هیأت رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به مسکو صادر شده است.

به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی
هیأت رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی
سوسیالیستی
شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
و قوای گرامی!

به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، هیأت رئیس شورای انقلابی، شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان و تمام خلق افغان بشما و از طریق شما تمام خلق قهرمان اتحاد شوروی را به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی در جنگ کبیر وطنی سال های ۱۹۴۱-۱۹۴۵ از صمیم قلب تبریک می گویم. پیروزی خلق شوروی بر فاشیسم هتلری همچون انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر دارای اهمیت عظیم در سرنوشت جهان است، این پیروزی حد فاصلی گردیده که مرحله نوینی را در تاریخ تکامل بشریت معین ساخت. سال ها میگذرد و عظمت کارنامه خلق شوروی، خلق نجات دهنده مدنیت جهانی، خلق آزادی بخش صد ها میلیون انسان هر چه درخشان تر و هر چه روشنتر میگردد. فاشیسم هتلری که بیرحمانه ترین و مخرب ترین جنگ در تاریخ بشریت را علیه اتحاد شوروی برآورد



به افتخار پیروزی بر فاشیسم

پیام تبریکه

(بقیه می اول)

زحمتکشان افغانستا انقلابی با الهام گیری از راه انکشاف اجتماعی و اقتصادی گام بر میدارند و مبارزه قاطع را علیه توطئه‌ها و امپریالیسم و ارتجاع به پیش میبرند، ما به کمک عظیم و همه جانبه انترناسیونالیستی اتحاد شوروی به افغانستان انقلابی که در امر دفاع از دست آوردهای انقلاب ما مبدول میدارد و ما را در مبارزه به خاطر ایجاب دگر تقویت می بخشد ارج فراوان می گذاریم.

دفاع گرامی! خلق شوروی در سالهای پر مشقت جنگ با پیروزی از توطئه های لنین بزرگ به خاطر صلح مبارزه میکرد، با به خوبی میدانیم که پیروزی برای اتحاد شوروی با چه بهای گرانی بدست آمد و به خاطر تابان سر بازان اردوی دلیر شوروی همه انسان ها ی شوروی که زندگی خود را بخاطر صلح، آزادی و ترقی بشریست قربان کردند احترام عمیق میگذاریم و در روز گاران ماکه اوضاع بین المللی به گناه امپریالیسم بین المللی شدیداً کسب و خاقت نموده است کشور شش را هـ

با متانت و بیگیری از صلح و امنیت خلقها همکار ی متساوی الحقوق و متقا بلامنفذ دول دارای نظام های مختلف اجتماعی دفاع می نمایند دولت شوروی بسا داشتن قدرت دفاعی نیرومند تعداد زیاد ابتکارا سازنده و صلح آمیز را به منظور دفع خطر جنگ هستوی، قطع مسابقات خطرناک تسلیحاتی در زمین و در کیهان، تخفیف تشنجات بین المللی پیش کشیده است.

جمهوری دموکراتیک افغانستان که وفادار به سیاست صلح دوستانه خارجی خود است از این پیشنهادات که هدف آن دادن اطمینان به خلقهای سیاره ما برای فردا صلح آمیز و برآر موشان می باشد، قاطعانه پشتیبانی نمیکند. لویجر که شوروی عالی عنصوی و دموکراتیک کشور ما که چندی قبل در کابل دایر گردید و در آن، نمایندگان همه اقشار مردم و ملت ها، اقوام و قبایل افغانستان اشتراک داشتند اراده خلق افغان بر سر ای صلح و امنیت، آزادی و ترقی دوستی و همکار ی بین دول و خلقها را بطور قانع کننده نشان داد.

دفاع گرامی! خلق شوروی چهلمین سالگرد پیروزی را در اوضاع واحد ل اعتلای سیاسی و کار تجلیل میکند و آمادگی میگردد تا از حادثه مهم د زندگی کشور، بیست و هفتمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی استقبال شایسته نماید. جشن درختان پیروزی کبیر را همراه با مردم اتحاد شوروی همه دول صلح دوست سیاره ما باشکوه و جلال تجلیل مینمایند. سازمان ملل متحد باین جشن پر افتخار راهبیت زیاد میدهد.

بشماره دفاعی گرامی و تمام خلق قهرمان و کبیر شوروی به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی یکبار دیگر از احسان قلب شاد باشی و تبریک گفته و موفقیت های مزید را در مبارزه به خاطر صلح، امنیت و ترقی ویروزی های باشکوه جدید را در راه ساختمان کمونیستی آرزو میکنیم. بگذار کارنامه بی نظیر خلق شوروی در جنگ کبیر وطنی جاودانه در خاطره ها زنده باشد! زنده باد صلح، امنیت و ترقی بشریت!

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان هیات رئیسه شوروی انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان

تلگرام تبریکه

از طرف رفیق بزرگوارمل منشی عمو می کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و رفیق سلطانی کشتنه عضو بیرونی سیاست کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای وزیران و وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستا تبریکه به مناسبت روز آزادی جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا و پیروزی بر فاشیسم هتلی و عنوانی رفیق گوستاف هوساک منشی عمو می کمیته مرکزی

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

بخت

امسال خلق اتحاد شوروی و تمام بشریت متحد قسسی چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم را با شکوه و جلال جشن میگیرند. نهم ماه می سال روان مصادف است با چهلمین سالار و بیروزی سرنوشت ساز خلق قهرمان اتحاد شوروی، نیروهای جهانی ضد فاشیستی و بشریت آزادی خواه و صلحدوست جهان بر هیولای وحشیار فاشیسم هتلی. خلقی صلحدوست جهان اگر امروز از یکسو در برابر خطر جانباخته قهرمانان میلیون هائسان شوروی سر تسلیم فرود می آورد، از سوی دیگر از درس های بزرگ آن می آموزند و بر ای تحکیم صلح جهانی قاطع تر و فشرده تر مبارزه میکنند.

جنگ دوم جهانی مانند تمام جنگ های امپریالیستی محصول قانون رشدناهمگون سرمایه داری، تشدید تضاد میان کشور های سرمایه داری و حد تمایز آن ها برای بدست آوردن بازار های جدید فروش کالا ها، دستیابی به منابع مواد خام و یافتن مناطق جدید به منظور سرمایه گذاری های جاباگرانه بود. مقدمات این جنگ هستی سوز در مدت بیست سال بعد از پایان جنگ جهانی اول تکوین یافت. در سال های ۱۹۲۰-۱۹۱۹ طی کنفرانس صلح پاریس تقسیم مجدد جهان در بین کشور های امپریالیستی صورت گرفت. مستعمره های آلمان مغلوب میان کشور های فاتح یعنی انگلستان، فرانسه و جاپان غیره تقسیم گردید. تجدید تقسیم جهان، تضاد بین کشور های امپریالیستی را به مرحله جدیدی وارد ساخت. در سال های اول دهه سی و دهه هشتاد و نود میلادی این تقسیم بندی امپریالستی تشکل یافت: دریکسو ایالات متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه و سوی دیگر آلمان، جاپان و ایتالیا. دول فاشیستی آلمان، جاپان و ایتالیا به منظور تقسیم مجدد جهان، بدست آوردن برتری نسبت به رقیبای امپریالیستی خود، تا میمن سلطه فاشیستی بر تمام جهان و امضای اولین کشور سوسیالیستی جهان یعنی اتحاد شوروی، جنگ جهانی دوم را تدارک می دیدند.

سردمداران گرو هندی اول یعنی ایالات متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه معتقد بودند که تجاوز زگران فاشیستی را باید علیه اتحاد شوروی سوق داد و از طریق تضعیف آلمان و اتحاد شوروی مواضع امپریالیستی خود را در جهان استحکام بخشید. این دو گرو هندی با وجود تضاد هایی که بر سر منافع آزمندانه امپریالیستی در بین شان وجود داشت در یک هدف با هم نظر کاملاً موافق داشتند و آن عبارت بود از امضای اتحاد شوروی-سو سوسیالیستی و بر گرداندن سیمیر سرمایه داری بر تمام جهان.

فاشیسم اساساً در سال ۱۹۱۹ در «بایر» آلمان زاده شد. حزب فاشیستی «ناسیونال سوسیالیست آلمان» که تجسم اراده ضد انسانی انحصارات آلمان بود، از همان آغاز فعالیت خود، ترویج ایده های ناپاک برتری نژادی، مبارزه با کمونیزم، ایجاد امپراتوری جهانی نژاد آلمانی و سرکوب جنبش های انقلابی آلمان و جهان می برداشت. فاشیست ها با عنوان کردن دفاع از «ملت ستم دیده آلمان»، مبارزه برای رفاه عامه، «مبارزه به خاطر حقوق عادلانه کار»، «مبارزه برای تقسیم زمینهای ملاکین»

در سال ۱۹۳۸ در اتریش توسط عساکر آلمان فاشیستی اشغال گردید و اتریش به آلمان ملحق ساختند. کشور های ایالات متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه نه تنها با اشغال اتریشی توسط آلمان مخالفت نکردند، بلکه آنرا مورد تأیید قرار دادند. این کشور هادر تمام این مدت «سیاست تسکین» یعنی سیاست سوق آلمان هتلی به جنگ علیه اتحاد شوروی را در پیش گرفتند. در دسامبر سال ۱۹۳۸ کنفرانس میونخ به اشتراک هتلی، موسولینی، دلا دیه و چرلین دایر گردید. در این کنفرانس کشور های انگلستان و فرانسه با کشور های فاشیستی به معامله نشستند. طی این کنفرانس موافقتنامه پیرامون تقسیم چکوسلواکیا به امضاء رسید.

محافل حاکمه انگلستان و فرانسه تصور میکردند که معامله ننگین میونخ، هتلی را از تجاوز گری هایش در اروپا باز خواهد داشت. صرف به تجاوز علیه اتحاد شوروی بسنده خواهد کرد ولی در عمل چنین نشد. فاشیست های آلمانی به تجاوز گری های خود ادامه

دادند. در سال ۱۹۳۹ خلیج «کات» پاره را که متعلق به لیتوانی بود اشغال کردند. در همین سال فاشیست های ایتالیا بی الهانیا را به تصرف خود در آوردند. در چنین وضعی که اروپا و کلام زد به فاشیسم و جلو گیری از وسعت خطر جنگ جهانی سمنی نمود تا ایالات انگلستان و فرانسه موافقت نامه نظامی را بر اساس اصول برادری و متعاقباً اعضا نمایند، ولی محافل حاکمه انگلستان و فرانسه از امضای چنین موافقتنامه ای شانه خالی میکردند. دولت انگلستان با دولت آلمان به مذاکرات پنهانی پرداخت تا پیرامون اتحاد شوروی و کشور های اروپای شرقی به معامله دیگری دست یابند. در سال ۱۹۳۹ فاشیست های آلمان برای غافلگیر کردن اتحاد شوروی پیشنهاد پیمان عدم تعرض ده ساله به اتحاد شوروی داد. اتحاد شوروی که در سرحدات خود در شرق دور با ماجراجویی های میلیتاریست های جاپان مواجه بود و از جانب دیگر کشور های امپریالیستی غربی سیاست معامله گرانه را در پیش گرفته بودند به منظور فرصت یافتن جهت تحکیم مواضع دفاعی خود، پیشنهاد آلمان را قبول نمود. بدین ترتیب در سال ۱۹۳۹، پیمان عدم تعرض از طرف

میزد بر آن آلمان هتلی در جنگ علیه اتحاد شوروی از نیرو های جنگی کشور های وابسته خود یعنی ایتالیا، مجارستان، رومانی و فنلاند نیز استفاده کرد. هدف آلمان هتلی از حمله بر اتحاد شوروی امضای کامل نخستین کشور سوسیالیستی جهان و تصرف منابع عظیم اقتصادی آن بود. در آن زمان هتلی گستاخانه گفته بود: «برای ماکافی نیست اردوی روسی را نابود سازیم و لنینگراد، مسکو، قفقاز را تصرف نمایم. ما باید این کشور را با خاک یکسان سازیم و مردم آن را از بین ببریم.» روشن است که آلمان هتلی با از پا در آوردن و قلع و قمع اتحاد شوروی انگلستان و فرانسه که به پلندعه کمک داده بودند به تاریخ سوم سپتامبر همین سال ظاهر آلمان اعلام جنگ دادند ولی در عمل به امید اینکه فاشیست های هتلی بعد از اشغال پلندعه به اتحاد شوروی حمله خواهند کرد قوای نظامی انگلستان و فرانسه در برابر نیرو های مسلح فاشیست ها سکوت کردند. ایالات متحده آمریکا نیز بیطرفی خود را اعلام نمود کشور پلندعه تحت ضربات سنگین فاشیست ها با خاک یکسان شد. کارگران و زحمتکشان پلندعه در تحت رهبری حزب کمونیست پلندعه قهرمانانه از وطن خود دفاع میکردند، ولی نیروی فاشیست های هتلی با قساوت و بیرحمی شهر هارا آتش می زدند و مردم را قتل عام میکردند، بر تری جنگی به نفع هتلی میابود. در فاصله بین سال های ۱۹۳۹-۱۹۴۱ آتش جنگ جهانی دوم تمام اروپا را در بر گرفت. فاشیست های هتلی توانستند در چهارده کشور ملی جنگ های «برق آسا» پایه حیث فاشیسم و به حیث مستقر نشدن فاشیست های آلمان نی بعد از در هم کوبیدن فرانسه به فکر حمله بر اتحاد شوروی افتادند. به اساس فرمان هتلی ستر در ستریت هتلی طرح عملیات «بارباروس» که هدف آن اشغال اتحاد شوروی با «جنگ برق آسا» بود، آماده گردید. به تاریخ بیست و دوم جون ۱۹۴۱ آلمان فاشیستی عید شکست نه و بدون اعلان جنگ بر خاک اتحاد شوروی هجوم برد. جنگ خونین در مرزهای اتحاد شوروی از دریای

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

بیرم»

لنینی نقش بزرگی را در این زمینه ایفا کردند. حزب کمونیست و دولت شوروی تنها و یز جدی را جهت تقویت نیرو های مسلح اتحاد نمود که در نتیجه آن اردوی سرخ هم از لحاظ عددی و هم از لحاظ تجهیزات و تسلیح در سطح بلند قرار گرفت. در سال های اول جنگ بهترین تاکتیک و طیاره ها ایجاد گردید. راکت انداز های موسوم به «کاتیوشا» که محصول سال ۱۹۴۱ بود ترس مرگباری را در صفوف اردوی فاشیستی ایجاد کرد. فاشیست های هتلی طبق نقشه «بارباروس» در مراحل اول جنگ با سر عت تمام در خاک شوروی پیشروی کردند. آنان با قساوت حیوانی مناطق مسکو، شهر ها، فابریک ها و موسسات تولیدی را بمباران می کردند و مردم غیر نظامی را به گلوله می بستند. فاشیست ها توانستند لنینگراد، مهد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را محاصره کنند و همچنان خود را به نزدیکی های مسکو برسانند. سر زمین شوروی در حمله های جنگ می سوخت. مردم قهرمان شوروی با وجود دشواری های طاقت فرسا جانیاز آن از وطن خود دفاع می کردند. آنان میدانستند که از وطنی دفاع می کنند که در آن خود حاکم بر سرنوشت خویش اند.

فاشیست ها توانستند لنینگراد، مهد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر را محاصره کنند و همچنان خود را به نزدیکی های مسکو برسانند. سر زمین شوروی در حمله های جنگ می سوخت. مردم قهرمان شوروی با وجود دشواری های طاقت فرسا جانیاز آن از وطن خود دفاع می کردند. آنان میدانستند که از وطنی دفاع می کنند که در آن خود حاکم بر سرنوشت خویش اند.

ار تنش سرخ در ایریل ۱۹۴۵ حملات وسیعی را در امتداد سواحل دریا های «نایس» آغاز کرد. بادر هم شکستن خط دفاعی دشمن به سوی برلین پیش رفت و به تاریخ ۲ می ۱۹۴۵ برلین فتح کرد. سر بازان اردوی سرخ بر چم پیروز منه شوروی را بر فراز کاخ را پشتاگ به اهتزاز در آوردند. شب هشتم ماهی سند تسلیمی بلا قید و شرط آلمان به امضاء رسید و فاشیسم هتلی در شعله های آتشی که خود روشن کرده بود سوخت و روز نهم ماه می در تاریخ جهان بیعت روز پیروزی خلق اتحاد شوروی و تمام خلق های جهان بر هیولای فاشیسم ثبت گردید و به این ترتیب یکی از خونین ترین و فجع ترین جنگ های که در فطه تاریخ بشری به یاد دارد پایان یافت.

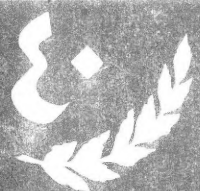
اکنون که باز هم شریر ترین و مرتجع ترین محافل امپریالیسم جهانی به سرمداری امپریالیسم جنگی افروز آمریکا، صلح و امنیت جهانی را در معرض خطر جدی قرار داده اند، حزب کمونیست اتحاد شوروی دولت و خلق شوروی در پیشا پیش نیرو های صلح دوست جهان برای تأمین و تحکیم صلح پایدار جهانی قاطعانه مبارزه می کنند. رفیق میخائیل گربا چف منشی عمو می کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تاریخ ۲۲ اپریل ۱۹۸۵ گفت:

((اتحاد شوروی یکبار دیگر اعلام می دارد که به طور جدی و پایدار متشی لنینی صلح و همزیستی مسالمت آمیز را که به واسطه نظام اجتماعی، اخلاق و جهان بینی ما تأیید می گردد، تعقیب می نماید. ما طرفدار مناسبات مساویانه، معقول، متعادل بین الدول که بر مبنای احترام و تفریق نورم های حقوق بین الدول استوار باشد، هستیم، و لی باید که محافل فاشیستی و نازیست ها به وسایل جنگی میکشند و در مسیر همکاری سوق می دهند.))

صلیق کاوون

نهم می - جشن بزرگ بشريت

خلق های اتحاد شوروی تحت رهبری دایهیا نه حزب کمونیست و به برکت اقتصاد پلانیزم شده سوسیالیستی، روحیه وطن پرستی و اراده خلل ناپذیر و قهرمانانای به افسانه (شکستناپذیری) اردوی اشغالگر فاشیستی خط بطلان کشید. فاشیست ها اول در جنگ های خونین حومه مسکو شکست خوردند، مدافعین مسکو تحت قوای ناسیونال سوسیالیستی (کیم) تحقق بخشیدند. فاشیست ها شکست خوردند و در آلمان فاشیستی در سرنوشت جنگ به وقوع پیوست. در سال ۱۹۴۲ نیرو های آلمان فاشیستی در نبرد استالین گراد زیر ضربات خرد کننده اردوی سرخ در هم کوبیده شدند. نبرد استالین گراد بحیث بزرگترین رویداد نظامی-سیاسی جنگ دوم جهانی در تاریخ ثبت گردیده است. پیروزی اردوی سرخ در نبرد استالین گراد را تعیین کرد. اینک راست-اتریک جنگ تابان آن در دست اتحاد شوروی باقی ماند. دولت های ایالات متحده آمریکا و انگلستان علی الرغم وعده های پیهم شان جبهه دوم را نه گشودند. آنها هنوز هم خیال خام تضعیف و سرکوب اتحاد شوروی توسط آلمان فاشیستی را در سر می پروراندند. چنانکه سنا تو تر و مین که بعداً به راست جمهوری ایالات متحده نام یکا رسید اظهار نموده بود: ((اگر مشاهدات کردیم که آلمان پیروز می شود، ما باید به روسیه کمک کنیم، و لیبی اگر روسیه بخواد پیروز شود، در این صورت ما باید



به افتخار پیروزی بر فاشیسم



● جنرال یسیو س اتحاد شوروی ی.و. استالین - سر قوماندان عالی قوای مسلح، رئیس کمیته دفاع دولتی، منشی عمومی کمیته مرکزی حزب سر تاسری کمونیست (بلشویک)، رئیس شورای کمیسار مردمی، و کمیسار مردمی دفاع اتحاد شوروی در جنگ جهانی دوم.

● سربازان پیروز مند اتحاد شوروی بیرق ها و نشان های نازی را در برابر آرامگاه ولادیمیر ایلیچ لنین در جریان مارش پیروزی در میدان سرخ مسکو در ۲۴ جون ۱۹۴۵ به زمین می اندازند.

مارشال ژوکوف

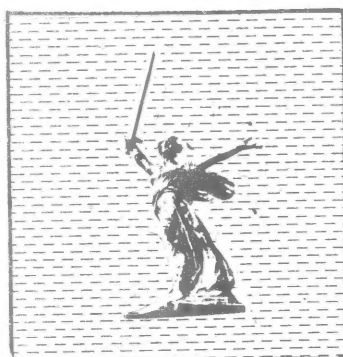


ژ.ک. ژوکوف

عهد داشت. در نوامبر ۱۹۴۴ قو ما ندا نی جبهه اول بلا روسیه نیز به عهد گذاشته شد. ژوکوف گذاشته شد و به وی وظیفه داده شد تا به استقامت بر این حرکت در دنیای ساینر منطبق به

گور کی کو نستا نینویچ ژوکوف (۱۸۹۶ - ۱۹۷۴) چهار بار قهرمان اتحاد شوروی و قهرمان جمهوری مردم منگولیا بود. او دو بار به دریافت عالی ترین نشان نظامی شوروی (امدال پیروزی) منخر گردید. است. مارشال ژوکوف عضو حزب کمونیست اتحاد شوروی از سال ۱۹۱۹ بوده و در قطعات قشون سرخ از سال ۱۹۱۸ شامل و از زمره شرکت کنندگان جنگ جهانی اول نیز می باشد. در سال های جنگ داخلی او قو ماندان بلسو و بعداً قو ماندان کندک سوارمقر گردید بعد ها به پست های دیگر نظامی مقرر و تا قو ماندان قو اردو ارتقا نمود. در جنسوری سال ۱۹۴۱ بجیت لوی در ستهز قوای مسلح اتحاد شوروی مو معاون کمیته دفاع مردمی مقرر شد. در ماه جون ۱۹۴۱ در ستاد قو ماندانی عالی نظامی و در اگست

سال ۱۹۴۲ مجدداً به صفت معاون کمیته دفاع مردمی و معاون ستاد قو ماندانسی عالی مقرر و رهبری انسجام عالی لیت ها جبهات را در نوا - کورسک، کورسک در دنیای ساینر منطبق به



توسط کیتیل امضا شده بود، فرا رسید و به همین ترتیب مدت اعتبار آخرین سند رسمی هتلری ها نیز پایان یافت. رایش آلمان فاشیست از بین رفته و جنگ در اروپا خاتمه یافت. بلی ما آنرا مطالعه و آماده امضای آن میباشیم. برید. جنرال باکو ف که در آنوقت در سالون حاضر بود بعد ها در خاطرات خود نوشت: «در همین لحظه به من چنین احساس دست داد که ای کاش مردم جهان میتوانستند از دیوار های این تعمیر گذشته و به کلمات جنرالان فاشیستی که دیگر به زانو در آمده بودند، گوش میدادند. من در همان لحظه به کسانی که هنوز در جنگ قرارداد داشتند و تیم ها و بیوه ها، ما در آن، افراد قهرمان نیرو های سرحدی ما که تا آخرین نفس از میهن شان دفاع کرده و دست از مبارزه نکشیده و دشمن را در سرحد مدتها متوقف ساختند و میلیون ها رفیق که ما آنها را در راه طولانی پیروزی کبیر از دست دادیم، فکر میکردم.»

نهم ماه می ۱۹۴۵ ساعت یک و چهل و سه دقیقه شب با قید و شرط آلمان که

آخرین دقایق جنگ

صفحاتی از تاریخ

وارد سالون عقد قرار داد تسلیمی بلا قید و شرط آلمان فاشیست گردیدند. آنها بعد از ورود به سالون به جا های معینه خود که در مقابل هر کدام آنها پرچم کشور های شان در اهتزاز بود قرار گرفته و در متبای جا ها جنرالان اتحاد شوروی اخذ موقع نمودند. مارشال ژوکوف بعد از ورود اخذ موقع به جایش ایستاد و اعلان کرد: «ما نمایندگان اتحاد شوروی، سرقوماندان عالی نیرو های مسلح اتحاد شوروی و قو ماندان عالی نیرو های متحدین از جانب حکومت عضو ائتلاف ضد هتلری وظیفه داریم تسلیمی بلا قید و شرط آلمان را از جانب قوماندان عالی نظامی آن کشور بپذیریم. لطفاً نمایندگان قوماندان عالی آلمان «ورماخت» را به سالون بیاورید.»

عساکر اتحاد شوروی دروازه را باز کردند نخستین فرد جنرال فیلد مارشال کیتیل رئیس قوماندان عالی ورماخت در دروازه ظاهر گردید. سینه او با امدهال های آلمان فاشیست مزین بود و چوب مخصوص مارشال هارا در دست داشت، تلاش ورزید تا حالت روانی خود را حفظ و خود را آرام جلوه دهد، اما قیافه او همه مطالب را واضح روشن بیان میکرد. به تعقیب او دیگر جنرال هواپیما اشتو میفاد میرال فون فرید بیورگ با حقوق دانا وارد سالون گردیدند. آنها به جا های معینه در پشت میز کوچک که در نزدیکی دروازه واقع بودند نشستند.

مارشال ژوکوف خطاب به آنها گفت: «آیا نزد شما قرار داد تسلیمی بلا قید و شرط موجود است؟ شما آنرا مطالعه کرده اید؟ آیا حاضر هستید آنرا امضا نمایید؟ کیتیل جواب داد:

یکی از ناحیه های شهر برلین پایتخت جمهوریدمو - کراتیک آلمان «کارل هورست» نام دارد. در این ناحیه جاده کوچکی جانبی موجود است که به تعمیر دو منزل منتهی میگردد، درین تعمیر به تاریخ هشت ماه می ۱۹۴۵ جنرالان آلمان فاشیست تسلیمی بلا قید و شرط آلمان فاشیست را در جنگ دوم جهانی امضا نمودند. فیورر (رهبر) آنها سی اپریل به خاطر فرار از مسوولیت خود کشتی کرده بود. تعمیر مذکور برای عقد تسلیمی آلمان فاشیست به صورت تصادفی انتخاب نگردد. در سال ۱۹۳۹ جنرالان آلمانی در همین تعمیر جمع شده و از آنجا مستقیماً به خاطر تسخیر جهان و به خاطر ارضای منافع آزمندانة انحصارات نظامی آلمان به فتوحات خود گام نهادند. آنها طی فتوحات خود در جهان بهر جانی از قبیل کشتار دسته جمعی، ترور آنتی فاشیست ها در کشورهای خود و به کشتار مردمان بیگنا غیر نظامی دست زدند. آنها به اطفال، زنان، پیر مردان و پیر زنان برهیچکس رحمی نمی کردند.

فاشیست ها در هشت ماه می ۱۹۴۵ مجبور گردیدند در همین شهر سند شکست قطعی خود را امضاء نمایند. این شکست قطعی را مردمان جهان که درجبهه ائتلاف ضد هتلری متحد شده بودند، به دشمنان بشریت به ارمغان آوردند.

هشت ماه می ۱۹۴۵ ساعت دوازده شب به وقت مسکو نمایندگان فوق العاده متحدین مارشال اتحاد شوروی ژ.ک. ژوکوف نمایند. جوزف استالین، ستر مارشال نیرو های هوایی انگلستان آرتور تیدر، قو ماندان نیرو های استرالیا تی.کی. اسپاتس، قو ماندان نیرو های فرانسوی، جنرال ژ. دیلاتردی تاسینی،



عکس جنرال فیلد مارشال هتلری کیتیل (بطرف راست) هنگام امضای سند تسلیمی بدون قید و شرط. از چپ به راست معاون وزیر خارجه اتحاد شوروی شینسک مارشال نیسروهای هوایی ارتور تیدر از بریتانیا، مارشال اتحاد شوروی ژوکوف، جنرال کارل اسپاتس از ایالات متحده آمریکا و جنرال دیلاتردی تاسینی از فرانسه.



به افتخار پیروزی بر فاشیسم

مارشال ژوکوف



● تجلیل از پیروزی در میدان سرخ مسکو

● گیورگی ژوکوف مارشال اتحاد شوروی در مراسم اعضای سند تسلیمی کا مل و بدون قید و شرط آلمان نازی

● سربازان تسلیم شده نازی در برلین



(بقیه ص ۳)
نمایند. او به نما پندگسی از دولت شوروی تسلیمی بلا- قید و شرط آلمان فاشیست را پذیرفت.
بعد از جنگ گ.ک. ژوکوف پست های مهمی را در نیرو های مسلح اتحاد شوروی عهده دار بود و تا سمت وزیر دفاع بالا رفت. او به ارگان های معتبر حزبی انتخاب و چندین سال متواتر افتخار عضویت شورای عالی اتحاد شوروی را داشت.
به خاطر اینکه تصویر درست در مورد مقامات فعلی لیت های مارشال ژوکوف ارائه گردد، کافست حواشی تدک کرده شود که او مستقیماً در آن شرکت داشت.

در سال ۱۹۳۴ مارشال ژوکوف در راس نیروهای اتحاد شوروی قرار داشت که ملیتا رست های جاپانی را در نواحی دریای خا-لخین گول منگولیا سرکوب نمود. ملیتا رست های جاپانی در این مناطق به اعمال ما جرایم علیه جمهوری مردم منگولیا دست زد بود. شش سال بعد در سال ۱۹۴۵ در نواحی برلین به مارشال ژوکوف اسناد مخفی را نشان دادند، که از دفتر ستاد ارتش آلمان فاشیست بدست آمده بود. این سند که از سال ۱۹۳۴ بود در آن فاشیست ها مارشال ژوکوف را ((جر-یف قوی و خطرناک)) خود قلمداد نموده بودند.

در استانه جنگ کبیر میهنی مارشال ژوکوف به صفت لوی در ستیز نیروهای مسلح اتحاد شوروی کار می کرد. بعد ها او قوما ندان نیروهای احتیاط و قوماندان جبهه لنینگراد، و جبهه غربی مقرر شد. پانام پر افتخار ژوکوف حوادث مهمی مانند دفاع مسکو، لنینگراد عملیات تبرضی متقابل در نواحی مسکوگره خورده است.
در اگست ۱۹۴۲ در یکی از لحظات در اما تیک جنگ،

نیروهای فاشیست از دریای ولگا عبور نمود و به ستاد لنینگراد وارد شدند. ژوکوف به صفت معاون اول ستاد قوما ندان غالی نظا می مقرر شد. (سر قوما ندان غالی جوزف ستالین-بود) همچنان به او وظیفه داد شد تا به ستاد لنینگراد رفته و فعالیت های جبهات ستاد لنینگراد را در لحظات دشوار انسجام بخشد. او این وظیفه را به خوبی انجام داد و تحول بنیادی را در سرنوشت جنگ روس-نمساخت. جنگ مشهور تا نکا را در مقوس کور-سک، نبرد دنیپر و سکه، کارپاتسکیه، نبرد ولسو، او دیرسکیه و بالاخره عملیات نها یسی جنگ جهانی دوم ((عملیات برلین)) را از تنظیم و در تحت رهبری او انجام شد.

اظهارات جنرال ایزنها-ور در مورد ژوکوف خیلی دلچسپ است. او گفته است: ((من معتقد هستم که محصلین موسسات تعلیمات عالی نظامی ما حتماً عملیات مسکو، استالینگراد و بر-لین را مفصل مطالعه خواهند کرد. ژوکوف و سالیرو-ماندا تا نروسی مستحق لقب پر افتخار متخصصین کبیر امور نظامی می باشند))
از خاطرات مارشال ژوکوف

ام. واسیلیفسکی:
من گیورگی ژوکوف را خوب میشناسم، هر دوی ما در تیموین و کاربرد، تعداد زیادی عملیات های نظامی سترا تیژیکمانند، عملیات مسکو، ستالینگراد کورسک، بلا روسیه و سایر مناطق مستقیماً شرکت داشتیم. هر دوی ما جبهات در رهبری می کردیم. ژوکوف در جریان جنگ پنج جبهه مختلف را رهبری می نمود. او در اگست سال ۱۹۴۲ که به صفت معاون ستاد قوما ندان غالی نیروهای مسلح اتحاد شوروی مقرر گردید، همیشه در جبهات نهایت پر مسوولیت و مهم اعزام میشد و هر

از منابع ای. پی. ان
ترجمه انجیب آرم

«کاتیوشه» وسایر سلاح ها

رقم تا ۲۵۰ - ۳۰۰ میل با لا رفت.
هیتلر در اواسط اکتوبر در هنگام حمله فاشیست ها به مسکو در مورد تقریب نیروهای خود چنین اعتراف کرد: ((ما ۲۲ جون دروازه های مسکو را باز کردیم ولی نمی دانستیم که در پشت دروازه ها مردم قرار دارند.))
هیتلر بعد از این اعتراف اجباری در نوامبر سال ۱۹۴۳ در یکی از صحبت های خود با جنرال ایدل یکی از رهبران و رماخت اعلان نمود: ((در نتیجه حملات ما در سرزمین مجپول و پنها و روسها، ما متوجه شدیم که حریف ما نه تنها از نیروی عظیم بشری بر خوردار است، بلکه به تکنیک صنایع نظامی که ما را به دوام جنگ عمو می مجبور گردانید دست رسی کامل دارند. این موضوع برای ما عامل تعیین کننده می باشد.))

از منابع ای. پی. ان

تکنالوژی خیلی مغلق دارد به طریق قابل گیری تهیه می شد، این نخستین تجربه در جهان بود.
در نیمه دوم سال ۱۹۴۲ صنایع تا نك سازی اتحاد شوروی از صنایع تا نك سازی آلمان سبقت جست. در مورد کیفیت تا نك های اتحاد شوروی کافست تدف کار جنرال های آلمان فاشیست را در مورد تا نك دانشمندان و متخصصین اتحاد شوروی با استفاده از تکنالوژی جدید پیشرفت گریز دیمه و کیفیت آن ارتقاء داد شده، این تکنالوژی در آن زمان کاملاً جدید بود و جای ولد تکنستی را ولد نکاتو مات گرفت (این شیوه را اکادمیسن تی. پاتون طرح نمود). در این سالها عوض ریخته گری و هموار کاری پرزه های قالب کاری و طریقه های حرارتی با فریکانیسی بلند استفاده می گردید. به طور مثال قله تا نك که

روی در سال های جنگ به طور متوسط سالانه ۲۳۷۷۴ عراد تا نك و توپ خانه سیار تولید نمود. است. در این مدت صنایع نظامی آلمان صرف ۱۳۴۵۰ عراد تا نك و توپخانه سیار تولید نمود. است. تا نك ها و وسایل زرعی صنایع نظامی اتحاد شوروی در سال های جنگ در اثر توجه و پشت کار دانشمندان و متخصصین اتحاد شوروی با استفاده از تکنالوژی جدید پیشرفت گریز دیمه و کیفیت آن ارتقاء داد شده، این تکنالوژی در آن زمان کاملاً جدید بود و جای ولد تکنستی را ولد نکاتو مات گرفت (این شیوه را اکادمیسن تی. پاتون طرح نمود). در این سالها عوض ریخته گری و هموار کاری پرزه های قالب کاری و طریقه های حرارتی با فریکانیسی بلند استفاده می گردید. به طور مثال قله تا نك که

ختم جنگ نه توانستند سلاح موثر و مشابه به ((کاتیوشه)) تولید نمایند.
تولید تسلیحات و تجهیزات اردوی سرخ در سال های جنگ جهانی دوم منظم و کامل می گردید. علت پیروزی در این زمینه ها تا تجدید ساختار صنایع شوروی به صنایع نظامی بود که از همان آغاز حمله هیتلری ها به اتحاد شوروی شروع گردید.
نیروهای هوایی:
صنایع نظامی اتحاد شوروی به طور اوسط طی سالهای جنگ سالانه ۲۷۰۰۷ فروند طیاره تولید کرد. است. صنایع آلمان فاشیست در این مدت سالانه ۱۹۷۲۵ فروند طیاره تولید می نمود.
مبارزه به خاطر ارتفاع سطح کمیت و کیفیت تولید طیارات و همچنان مبارزه به خاطر حصول تفوق نظا می در فضا در تمام طول جنگ جریان داشت. تو-لیدات متوسط ما نه طیارات

به مرکز فرماندهی و رماخت ((روسها بطریقه جدید با تعداد غیر قابل تصور توپ ها را مورد استفاده قرار داد. اند. می های این توپ ها تا تیر غیر عادی دارد. نیروهای ما که مورد حمله این بطریقه های روسها قرار گرفته اند گزارش میدهند که: آتش این سلاح هائیشدت زیاد به رعد و برق دارد.))
این اولین آشنایی نیروهای فاشیستی با توپ های جدید اتحاد شوروی بود. توپ های جدید شوروی که نوع عراکت های ریا کتیفی مشهور به نام ((کاتیوشه)) بود در اواسط جنگ مورد استفاده قرار گرفته و در اواخر جنگ جهانی دوم در حدود ۴۵ هزار تا زاین نوع را کت ها در جبهات قرار داشتند. در تمام طول جنگ ((کاتیوشه)) برتری خود را منحصراً بهرین سلاح حفظ کرد، و هیتلری ها تا

دوستان مردم

صدای زمین

مرد ها میتوانند کشور ها را از هم جدا نمایند امانی توانند انسان ها و ایديال های بزرگ آنان را از هم جدا نمایند . وقتی انسان های افغانستان و انسان ديگر ي از سر زمین پنهان و شوروی به خاطر سعادت بشریت در سنگرواحدی قرار می گیرند وبه رزم عاد لانه واحدی فرا خوانده میشوند ، این حقیقت نیرو مند را با تمام وسعت آن میتوان دریافت .

بگذار همیشه صلح باشد

پیدا کرده بودم . او انسان شریفی بود که انقلاب اکبر را پیروز کرده بود . بشیر دگر عضو با رانانده قرار توکر محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهاده امی ((این با رجه شعر را زیاد دوست دارم . این مفکوره بشر بهشت است ، اگر همه این مفکوره را داشته باشند ، برای کار و خوشبختی برای کل مردم بوجود می آید . اگر انسان غم انسان را بخور د بخاطر خوشبختی نسل های آینده تلاش بکند . زنده گسی بهشت می شود)) این سخنان از آن پیر مردی است که بعد از مدتها جستجو عاقبت او را یافتیم .

جریان بدین قرار بود که میخواستیم برای چهلین سالگرد پیروزی برافشای مطلق بنویسم . یکسری همکاران نام گفت چرا مطلب زنده تهیه نمی کنی . چرا با یکی از کسانی که در بیشتر جبهات جنگ اشتراک کرده صحبت نمی کنی . کارگر پیروی در ولایت بدخشان زندگی میکند که سالها در جبهات جنگ دوم جهان بوده ، در مسکو ، در لنینگراد ، جنگ کرده و تا نزدیک برلین پیشرفته است . اگر او را پیدا کنی مطلب دلچسپی برای توفقه خواهد کرد . از همان روز ها اقدام کردم . بعد از مدت ها جستجو او را یافتیم و حال او را برای من تعریف کرد . نام او سعید (پرسی شاک) است . از سر زمین زیبای بدخشان مردی سالها با قلمی متوسط و چهره ای که زمان جای پای خود را بصورت چین ها و چروک های عمیق در آن بجا گذاشته است ، چشم های مهربان و عین او که بر قوس شانی او ساطع می شود و او را جلالت نشان میدهد . لباسهای بسیار ساده و پاک و حکایت از نظم و دقت میکند . از زندگی می پرسد ، میگوید : «مردم در بسیاری به سختی تیر خورده است .

آه ماهه بودم که «قبله کاه» باز بین رفت ، ۴ برادر بودم ، برادر های همراه کاکا یسم دهقان میگردند . من برادر خور بودم . برادر های یسم میگفتند من و شیار به رجه هستم باید مکتب بروم و درس بخوانم ، اما کاکا یسم اجازت نمیداد و میگفت نباید مکتب بخوانی مکتب تورا کافر میکند . مرا بکار چوبانی نمی فرستادند . روز ها در دره ها تیر میشد ، دلم میخواست مکتب بخوانم ، چند کاکای دیگر داشتیم کادر آنطرف سر حد در اتحاد شوروی زندگی میکردند . شنیده بودم که شوروی بسیار خوب جای است . انقلاب شده مردم از بدبختی نجات یافته اند . دیگر مثل زمان قبل از انقلاب کسی زیر پلها خواب نمیکند . برای آنها فرقی نمیکند که این مسلمانان است ، هندو است ، خشی است . آنها کل انسانها را که زحمت میکشند بیک چشم نگاه میکند . برای اطفا لی که ولادین خود را از دست داده اند پرورد شکاه ها ساخته اند که در آن اطفا ل هم زنده گسی میکنند و هم درس میخوانند در فکر این بودم که بروم شوروی درس بخوانم ، پس رفتم آنطرف سر حد ، خانه کاکای خود ، اما کاکا نگذاشت بود که جنگ شروع شد در این شش ماه من علاقه زیادی به مردم زحمتکش و شریف شوروی ، به مفکوره لنین

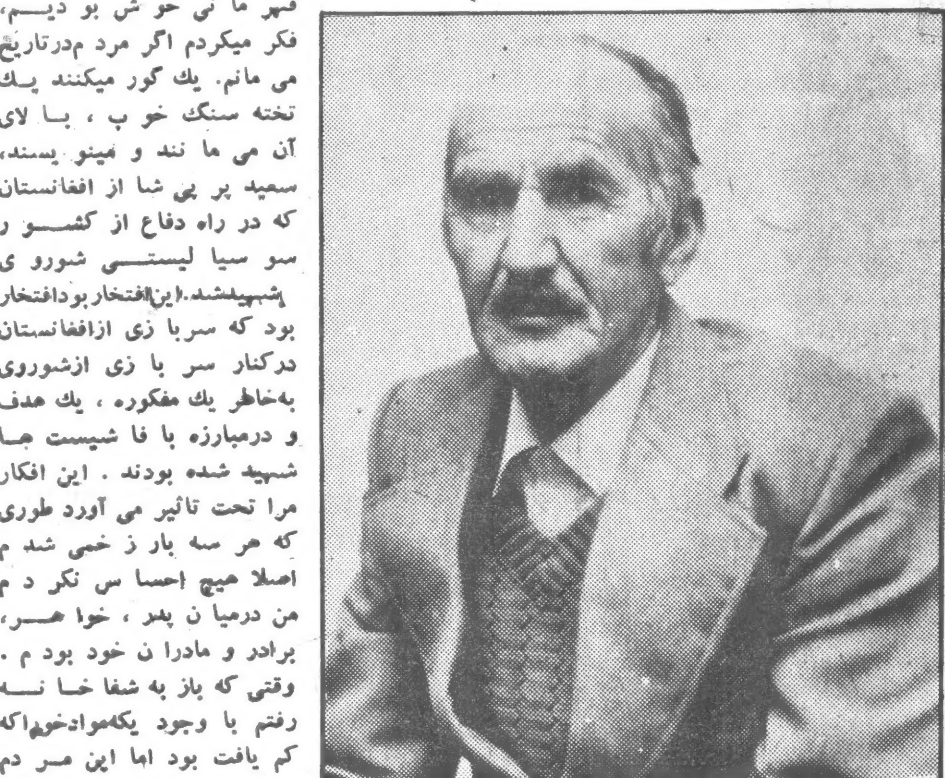
از جانب « زدی » میان دره ها تسیم ملایمی می وزید ، رود سرکش دره نعره میکشید ، بوی معطر گل و گیاهان عطر آگین «ورزاب» را امواج سرکش رود باخود یکجاسا نموده و به پایین ها به جانب دهات و تفریحگاه ها می آورد . «ورزاب» پر بود از کسانی که برای گردش و تفریح آمده بودند . گروهی بالای «قالین» مچلین طبیعت - سبز ، عذای بالای سنگ های کنار ساحل و عده دیگری در کنار میز های رستوران های « نسیم کو حسار » و «چار سده» نشسته ، چای گوارای سبزه را با نان شیرمال و قیقاق نوش جان میکردند . از طبیعت لذت برده و رفیع خستی مینمودند .

تالار مهمان خانه « نسیم کو حسار » پر از هیاهوی جمعیت بود . اگر کسی از دور به آن نزدیک میشد از صدا های گوناگون شگفت زده می گردید . مرد ها وزن ها بالاجان گوناگون میگفتند و می خندیدند - یکی پالمانی ، دیگری به روسی ، سو می به انگلیسی یا اسپانیایی سخن میراندند .

آسیه آهسته به تالار نزدیک شد و چون در بین جمعیت اکادمیک علوم تاجیکستان دانشمند نام آور جیولوجی سید پر پی شا از افغانستان که در راه دفاع از کشور شوروی سیالیستی شوروی شهباشد . این افتخار بود افتخار بود که سربازی از افغانستان در کنار سر بازی از شوروی به خاطر یک مفکوره ، یک هدف و دمیارزه با فاشیست ها شهباشد بودند . این افکار مرا تحت تاثیر می آورد طوری که هر سه بار زخمی شدم اصلا هیچ احساس نکردم . من در میان پدر ، خواهر ، برادر و مادران خود بودم . وقتی که باز به شفاخانه رفتم با وجود یکمواذخم که کم یافت بود اما این مردم مهربان برای ما تمهید آوردند میوه می آوردند . به بالی سرما می نشینند و مادر و پدر و برادر و برادران نوازش میکردند من هنوز گرمی و محبت آن دستهای مهربان را فراموش نکرده ام . ما در آنی بودیم که بچه ها شان در جنگ شهباشد شده بودند . اما آنها میگفتند که خدا را شکر که شما ها زنده مانده اید . تمام جوانان در حکم اولاد های ما هستند و واقعا هم مثل یک مادر از ما مواظبت میکردند . فکر میکردم که چه خوب خواهد بود اگر روزی دست من سیالیستی شود . مردم اینقدر نسبت بهم مهربان نباشند ، همه جا صلح باشد ، آرا می باشد ، انسانها برادر واری در کنار هم کار کنند و خوشبختی زندگی نمایند . ما با یکدیگر بود که تصمیم گرفتیم جنگ فاشیست ها را با یکدیگر مبارزه کنیم . به فکر بودیم که با زخمی شده ای ، دیگر نباید جبهه بروی . اما آنقدر نترسیدم که در خواست کردم که دوباره مرا روان گردانند به جبهه دریای (آدر) . بعد از خشکها از دریای تیرشیدم . اگر بخوام خاطرات همین تیرشیدم از دریا را تعریف کنم بسیار زیاد میشود . سربازانی بودند که سینۀ خود را در مقابل مر می ها سپردند تا دیگران بتوانند به پیش بروند . من بایدم در پشتشان بسته میگردند زیر تانک دشمن می رفتند و آن را منفجر میساختند . من بسیار تا تکبای تخریب شده دشمن را دیدم که جسم تو ته تو ته شده سرباز شوروی در کنار آن چشم بیند . رنگ سفید و



آسیه آهسته به تالار نزدیک شد و چون در بین جمعیت اکادمیک علوم تاجیکستان دانشمند نام آور جیولوجی سید پر پی شا از افغانستان که در راه دفاع از کشور شوروی سیالیستی شوروی شهباشد . این افتخار بود افتخار بود که سربازی از افغانستان در کنار سر بازی از شوروی به خاطر یک مفکوره ، یک هدف و دمیارزه با فاشیست ها شهباشد بودند . این افکار مرا تحت تاثیر می آورد طوری که هر سه بار زخمی شدم اصلا هیچ احساس نکردم . من در میان پدر ، خواهر ، برادر و مادران خود بودم . وقتی که باز به شفاخانه رفتم با وجود یکمواذخم که کم یافت بود اما این مردم مهربان برای ما تمهید آوردند میوه می آوردند . به بالی سرما می نشینند و مادر و پدر و برادر و برادران نوازش میکردند من هنوز گرمی و محبت آن دستهای مهربان را فراموش نکرده ام . ما در آنی بودیم که بچه ها شان در جنگ شهباشد شده بودند . اما آنها میگفتند که خدا را شکر که شما ها زنده مانده اید . تمام جوانان در حکم اولاد های ما هستند و واقعا هم مثل یک مادر از ما مواظبت میکردند . فکر میکردم که چه خوب خواهد بود اگر روزی دست من سیالیستی شود . مردم اینقدر نسبت بهم مهربان نباشند ، همه جا صلح باشد ، آرا می باشد ، انسانها برادر واری در کنار هم کار کنند و خوشبختی زندگی نمایند . ما با یکدیگر بود که تصمیم گرفتیم جنگ فاشیست ها را با یکدیگر مبارزه کنیم . به فکر بودیم که با زخمی شده ای ، دیگر نباید جبهه بروی . اما آنقدر نترسیدم که در خواست کردم که دوباره مرا روان گردانند به جبهه دریای (آدر) . بعد از خشکها از دریای تیرشیدم . اگر بخوام خاطرات همین تیرشیدم از دریا را تعریف کنم بسیار زیاد میشود . سربازانی بودند که سینۀ خود را در مقابل مر می ها سپردند تا دیگران بتوانند به پیش بروند . من بایدم در پشتشان بسته میگردند زیر تانک دشمن می رفتند و آن را منفجر میساختند . من بسیار تا تکبای تخریب شده دشمن را دیدم که جسم تو ته تو ته شده سرباز شوروی در کنار آن چشم بیند . رنگ سفید و



آسیه آهسته به تالار نزدیک شد و چون در بین جمعیت اکادمیک علوم تاجیکستان دانشمند نام آور جیولوجی سید پر پی شا از افغانستان که در راه دفاع از کشور شوروی سیالیستی شوروی شهباشد . این افتخار بود افتخار بود که سربازی از افغانستان در کنار سر بازی از شوروی به خاطر یک مفکوره ، یک هدف و دمیارزه با فاشیست ها شهباشد بودند . این افکار مرا تحت تاثیر می آورد طوری که هر سه بار زخمی شدم اصلا هیچ احساس نکردم . من در میان پدر ، خواهر ، برادر و مادران خود بودم . وقتی که باز به شفاخانه رفتم با وجود یکمواذخم که کم یافت بود اما این مردم مهربان برای ما تمهید آوردند میوه می آوردند . به بالی سرما می نشینند و مادر و پدر و برادر و برادران نوازش میکردند من هنوز گرمی و محبت آن دستهای مهربان را فراموش نکرده ام . ما در آنی بودیم که بچه ها شان در جنگ شهباشد شده بودند . اما آنها میگفتند که خدا را شکر که شما ها زنده مانده اید . تمام جوانان در حکم اولاد های ما هستند و واقعا هم مثل یک مادر از ما مواظبت میکردند . فکر میکردم که چه خوب خواهد بود اگر روزی دست من سیالیستی شود . مردم اینقدر نسبت بهم مهربان نباشند ، همه جا صلح باشد ، آرا می باشد ، انسانها برادر واری در کنار هم کار کنند و خوشبختی زندگی نمایند . ما با یکدیگر بود که تصمیم گرفتیم جنگ فاشیست ها را با یکدیگر مبارزه کنیم . به فکر بودیم که با زخمی شده ای ، دیگر نباید جبهه بروی . اما آنقدر نترسیدم که در خواست کردم که دوباره مرا روان گردانند به جبهه دریای (آدر) . بعد از خشکها از دریای تیرشیدم . اگر بخوام خاطرات همین تیرشیدم از دریا را تعریف کنم بسیار زیاد میشود . سربازانی بودند که سینۀ خود را در مقابل مر می ها سپردند تا دیگران بتوانند به پیش بروند . من بایدم در پشتشان بسته میگردند زیر تانک دشمن می رفتند و آن را منفجر میساختند . من بسیار تا تکبای تخریب شده دشمن را دیدم که جسم تو ته تو ته شده سرباز شوروی در کنار آن چشم بیند . رنگ سفید و



دوستان همزمن

بگذار همیشه صلح باشد

(بقیه صفحه ۵)

قرار داشت. امروز شاید خیلی از جوانان ندانند که آرامی و سعادت امروزشان به چه قیمت سنگین بدست آمده است.

جوانانی همسرنه‌هاچطور شب از شب و روز از روز نشناختند و بسیار شانس شهید شدند تا صلح در جهان برقرار گردد. از دریای تیر شدیم رفتیم در ((کیزنبرک)) که دو مین شهر بعد از برلین است، بعداً رفتیم به ((لسویا)) ((تارتو)) تا شش کیلو متری برلین. ۷۰ کیلو متر به برلین مانده بود که هفت جستن گرفته بودیم. همه از خوشحالی گریه میکردند. همه جا خنده و شادی بود کسانی که آن جنگ‌های لعنتی را دیده بودند. جنگ کرده بودند و پیش چشمهایشان بهترین رفقا پیشان شهید شده بودند میتوانستند قدر این پیروزی را بهتر درک کنند. هر کس آرزوی میکرد اما هیچ‌یک آرزوی مشنرک داشتند. خدا یاد دیگر هیچوقت جنگ نباشد دیگر هیچوقت دیوانه‌ای مثل هیتلر فاشیست جهان را نا آرام نسازد. کورد. کاندیدر بدون پدر، مادر، خواهر، برادر با چشمهای غمگین در سر کپا آواره و سرگردان نباشند. جنگ برای همیشه کم شود. صلح و صفا در جهان حاکم باشد

من بسیار خاطرات از این روزها دارم. از روزهای شاد پیروزی از روزهای تلخ ولی حماسی، لنینگرا از روزهای که دشمن سخت بالای سزما فشار می‌آورد. جلوی چشم ما کودکان و پیر مردان و پیر زنان از گرسنگی و سرما تلف میشدند. در آن روزها ما خون گریه میکردیم، اما تسلیم نمی‌شدیم. مبارزه میکردیم، سزما میخواستند. من هنوز هم وقتی که زندگی فشار می‌آورد به یاد آن روزها و آن سرود هایم افتم.)) خواهش میکنم که یکی از این سرودها را برای من بخوانید! لحظه‌ای فکر میکنم، چشمهای روشن خود را از کلکین بدور دست میدوید. از دشمن و از کوه‌های سر به فلک کشیده عبور میداد و از لای زمان میگذشت و در کنار رود «نوا» دو کنار لنینگراد قبرمان فرود می‌آید و آرام آرام سرودی را بروسی زمزمه میکند: به پیش به پیش بسوی لنینگراد نگذار که دشمن استراحت کند بسوی دشمن با قنداق، با بلب‌های دستی به پیش! چشمهایش را اشک پر کرده است. دستهای لاغر و چروکیده خود را روی نوا نش می‌کوبد و در چشمهای خیره میشود. میگوید: «هیتلر

دفاع میکنند. این اعتقادشان هست. در جنگ دوم جهانی هم از تمام کشورهایی که فاشیست‌ها با لای آنها حمله کرده بودند، دفاع نمودند. میلیونها سرباز شوروی بخاطر آزادی مردم پولند، بلغاریا، چکسلواکیا، هنگری، جرمنی و دیگر کشور های اروپا جان خود را از دست دادند. در این جنگ ۲۰ میلیون نفر شهید شدند و ما در هابی بچه شدند، زن‌هایی شوهر شدند، تاجنگ نباشد، صلح باشد. مردم دنیا مثل یک برادر باشد. اما حالا امریکا میخواست که کت‌ها را در فضا جابجایی کند. در خود اروپا مستقر میکند. میخواهد کل بنی بشر را محو کند. اگر اینها استعفا شوند در کره زمین آدم می‌ماند؟ اینطریق فاشیست‌هاست، شوروی به چشم خود دیده است که جنگ چه فجایی را ببار می‌آورد. آن‌ها یک مثل دارند که میگویند ((کسی که ندیده است می‌بیند و کسی دیده است فراموش نمی‌کند. امروز مادیده ایم و فراموش نمیکنیم. از مردم جهان به عنوان یک سرباز جنگ، یک پیر سر سفید میخواهم که دست‌به‌دست هم به هند و دیگر یک امیر یا لیست دیگر جهان را محو و نابود کند. هر کس دوست دارد با اولاد های خود زندگی کند، از طبیعت، از نعمات زندگی بهره‌بردارد و مایه تلاش کنیم که مادر

ها کت بچه‌های خود را با شن و خند نوا سه‌های خود را ببیند. من امروز این سرود کودکان را به دختر کوچکم به نوا سه‌هایم یاد میدهم. ((بگذار همیشه صلح باشد بگذار همیشه آفتاب باشد بگذار همیشه آسمان باشد بگذار همیشه مادر باشد بگذار همیشه من باشم. و من اطمینان دارم که چنین خواهد شد. چرا که همیشه عشق پر نفرت و صلح‌پر جنگ پیروز است.)) کنجکاو عجیبی وجودم را پر کرده است میخواهم زندگی او را بیشتر دریابم میسر سم چطور شد که بر گشتید به کشور؟ میگوید «چطور شد؟ من آنجا فهمیدم که باید پس‌بایم به وطن خودم و برای آبادی کشور خودم، برای روشن کردن مفکوره وطن‌دار های خودم کار کنم. جنگ که تمام شد بعد از یکسال آمدم، دلم به کوه‌های پامیر برای مادر برای مردم وطن تنگ شده بود. آمدم افغانستان در سرحد دستگیر شدم آن وقت قدرت، قدرت فیودالان بود. قدرت پادشاه بود، مارا بندی کردند شش ماه در بدخشان بودیم در دهمزنگ بودیم. یک آشنا قومانده زنانه نام عمومی بود. مارا خلاص کرد. به قندهار فرار کردم، پانزده سال در قندهار کار کردم، لین کشی می‌کردم و بعد آمدم در خانه سازی در مکروریا ن انجیر نل دوانی کمبود بود بحیث‌نل

دوان کار میکردم، ۱۲ میلیون افغانی داده بودند که تقسیم شود بین کسانی که قانونی رخصتی گرفته بودند. اما مقامات مسوول میخواستند که این پول را بدهند. آن وقت ما رخصتی هم رفتیم بودیم اما بخاطر همکاران خودم همراه آنها اعتراض کردیم. قوای ضربه‌آمده دور مارا حلقه کردند. کارگران دو گروه شدند یک گروه میخواست مقاومت کند و یک گروه مخالف بود. من سر ستنی بالا شدم چند کلمه گپ زدم در باره حقوق خود ما در باره یکپارچگی کارگران صحبت کردم، گروه مخالف هم پس آمدند. باز آنجا صدای ما را در تاپ کردند و گفتند که این آدم کارگران را تخریب میکند. مرا از آنجا بر طرف کردند. بعداً در دستگاه افغانی کار میکردم وزارت داخله که به تکمیل رسید به یک انجیر آلمان غرب فها نند که من در شوروی بودم، کت فاشیست ها جنگ کرده‌ام نا مشن (مستز تیل)) بود. از آنجا هم مرا بر طرف کردند. از اینجا دیگر خانه خود را فرو ختم رفتم بدخشان و آنجا قطعه زمین کوچکی گرفتم و شروع کردم به بیل زدن و آباد کردن. اما این کار کافی نبود. رفتم در پروژه آپراسانی بدخشان و آنجا مشغول کار شدم اما هیچگاه از مبارزه دست نکشیده‌ام. حال من با این سن و سال وظیفه خود مرا نسبت به وطن نسبت به مردم

به حزب انجالم میدهم. من یک حزبی هستم من یکبار و پیمان بستم که تا آخر پسن نفس بخاطر انسان و سعادت انسان مبارزه کنم و حیرت‌مردی یکست. حال زندگي آرامی دارم عصرها که از کار آدم در کارخانه کمک میکنم در خانه ما برای است بسیار تفاهم داریم اوقات بیکاری در همان زمین کوچکی بیل میزنیم. جوی جور میکنم، نهال می‌نشانم. پارسال سی‌نهال را برای سربازان شوروی تحفه دادم میداند آنها برای من مثل اولاد واری هستند من تمام مفکوره خود را می‌دهم کشور آنها هستم. این مفکوره به تمام زحمتکشان زندگی بخشیده. یک هایش را روی هم میگذارد و در افکار دور و دراز خود غرق می‌شود. به دستهای پینه‌بسته از کار، به چشمهای درخشانش که حال آرام گرفته اند مینگرم برای سستی چه عظمتی است انسان را زمانیکه چنین سر فرازان به با افکار عالی بر خیزد و حال خود را میگرد (خوب بودن در میان خوب سرنوشت، خوب ماندن و مهر بانی و نیک خوایی را در میان آنها به سستی‌های خشن حفظ کردن از آزمون گذشتن و به زشتی ها اجازه رخنه بدین گنجینه درونی را ندادن)). آری براستی چه عظمتی است انسان را.

ناصر

صدای زمین

(بقیه صفحه ۵)

دیور هم بودم، دهقانی را نیز میدانم. ولی میخواهم معلم زبانی آلمانی شوم. فغان مادرش نینا سرگی، یفتسا به آسمان پیچید، او میگفت: از بخت بدم خدا به من چنین فرزندی داد. همین دیروز آلمانی‌ها را از دیار ما به دور افکندیم، امروز پسرمان زبانی این متجاوزین را به دیگران می‌خواهد بیاموزاند. الکسی متاثر شد و گفت: حرف در زبان نیست،

ما در جان! او از راهی بیش از چهار سال خدمت سرباز. پیش واز کارش پس از خاتمه جنگ سخن راند. معلم شدنش را تقریباً دادند، او ضمن آنکه خودش غیبی زبان می‌آموخت همچنان صنف اول پوهنتون «گزانه» را غیبی ختم کرده، از صنف دوم شان تحصیل روزانه شد. علم جیو لوجی را انتخاب کرد. همراه دانشمندان شهرروس با مسیر ایده آل علمی خود با راه میخانیل واسیلی ویج

لو مونوف رفت و در این سازه پیروز شد. عناوین و درجات علمی داکتر و پروفسور را بی‌جهت به‌اونه داد. هاند. الکسی پتروویچ دوسا حل رود بزرگ والگا را کاملاً از نگاه جیو لوجی بررسی نمود و به خصوص ترکیب جغرافیا بی‌زمین منطقه «گزانه» و «کوی بیشف» را مفصلاً تحقیق کرده و همبستگی قشر زمین روسیه و مرزهای هم جوار آنرا مشخص کرد. به حیث عضو شورای علمی جیو مورفولوژی

اکادمی علوم اتحاد شوروی و عضو کمیسیون بین‌المللی تجارب آموزش دشت‌ها، راجع به جیو مورفولوژی علمای جهان را از تحقیقاتش با خبر ساخت. زمانی فعالیت علمی بیش از ده داکتر علم که تحت نظر او به تحقیق علمی شروع نموده بودند، اکنون از تجارب آموخته خود در مناطق گوناگون اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بی‌تبه مونوگراف‌های دکترای علم می‌باشند. به ویژه وقتی که گنیادی پتروویچ اوتاکوف ووالیری ماز ژیرین، مانند این شاگردان به حلقه استاد می‌آیند، صحبت‌ها او جوی گیرد. عبارات و افاده‌های

آنها به اشخاصی که دور از علوم طبیعی اند، نامفهوم می‌آید، ولی ماهیت این ملاقات به شخص فها می‌باشد، ترکیب خصلت انسان به مانند خواص زمین است، هر دو یک پاره از هستی در ماحول و زمان اند و بدون هم وجود نخواهند داشت. از این لحاظ انسان باید بانو آوری خود حزمین را حافظ باشد، نه گفاند که عشق آن و در روی آن حوادث بدی به وقوع پیوندد. همین روزها در تالار باله شکو پوهنتون کابل به مناسبت چهل سالگی جشن پیروزی مردم شوروی در جنگ کبیر میهنی سال‌های

۱۹۴۱ - ۱۹۴۵ گردهم آیی استادان و محصلین برپا شد. پس از آنکه عده از استادان و محصلین در موضوع مربوط سخنرانی کردند، رئیس پوهنتون کابل داکتر اسدالله حبیب چنین اظهار داشت: اینک میخواهیم از زبان قهرمان جنگ، قهرمان کار و قهرمان علم الکسی پتروویچ دید کوف بیانیه بی‌واسطه را شنیم، «زیرا سخن از زبان لقمان خوش می‌آید. مردی قوی هیکل سر سفید از جانبند شد، باتسم گرمی حاضرین را دید زد و چنین گفت: وقتی به جنگ می‌رفتم

مثل اکثر شما ضریب این جلسه با شکوه هفده، هجده ساله بودم... صحبت مونوگراف اشتراک کنندگان جنگ میهنی به جوانان وطن پرست افغان تأثیر عمیقی بخشید. گروهی از شاگردان دید کوف نیز در مجلس حضور داشتند. آنها به استادشان می‌نگریستند و او را سر از نو می‌شناختند. روح آرام، کرکتر عالی، سخنان عادی ولی پر از حکمت اوبه حاضرین الهام می‌بخشید. با چنین انسان‌ها پیروز نشدن در جنگ ممکن نبود. عده از حاضرین این مطلب را میگفتند، آنها به جا گفته بودند. س. احمد

برادرانه کمک نمودند



تبصره سیاسی

جنگ تجاوزکارانه راکه آلمان فاشیست و متحدین علیه اتحاد شوروی و سایر کشور های صلح دوست جهان تحمیل نموده بودند، استقلال و دست‌آورد های انقلابی سایر ملل را نیز بر جمهوری مردم منگولیا قاطعانه در جهت نیروهای قرار گرفت، که علیه فاشیسم مبارزه می‌کردند. ۲۲ جون ۱۹۴۱ در جلسه مشترک هیات رئیسه کمیته مرکزی حزب انقلابی مردم منگولیا، شورای وزیران و هیات رئیسه خورال کوچک جمهوری مردم منگولیا مسئله ((حمله وحشیانه فاشیست‌ها را علیه اتحاد شوروی)) تبیین نمود و از مردم منگولیا خواست تا در نهضت وطن پرستانه جمع آوری کمک به بهترین دوست ست مردم منگولیا اتحاد -

شوروی سهم گیر نه زحمت - کشان جمهوری مردم منگولیا به این خواست حزب و دولت جواب مثبت داد و و نهضت وسیع حمایت و کمک همه‌جا به راه مردم اتحاد شوروی و اردوی آن به راه انداختند. کمیته مرکزی حزب انقلابی مردم منگولیا مستقیماً نهضت مذکور را که تمام اقشار مردم را احتوا می‌کرد، رهبری می‌نمود. این نهضت در واقعیت امر به وظیفه تمام مردم منگولیا شد، بعضی از موسسات دولتی و کوپراتیفی فرما - یشات خاص اردوی شو - روی را در قدم اول تولید نمودند. کارگران و کارمندان موسسات دولتی روزانه اضافه از وقت معینه کار و حتی در روزهای یکشنبه کار می‌نمودند. پول که از مدرک این کارهای اضافی به دست می‌آمد مستقیماً به

حساب کمک به مردم اتحاد شوروی ارسال میشد. بر علاوه در تمام ایات های (ولایات) منگولیا کمیسیون سازماندهی جمع آوری کمک به اردوی اتحاد شوروی تشکیل گردید. در مدت جنگ به حساب کمک به اردوی اتحاد شوروی، پول نقد، زیورات، طلا و نقره و سایر اشیای قیمتی، لباس‌های گرم زمستانی، مواد خوراکی و غیره ارسال شد. همچنان کمک مردم منگولیا جمع آوری شده بود از آن ۵۴ عراده تا نك‌های تی - ۳۴ تولید گردید. کندک که در آن تا نك‌های مذکور قرار داشت به نام کندک تا نك‌های ((منگو - لیا ی انقلابی)) نامیده شد همچنان از این پول ها ۱۲ فرونده طیاره نیز تولید گردید که کندک طیاره مذکور به نام ((ارات منگو - لیا)) نام گذاری گردید ۱۲ جنوری ۱۹۴۳ کندک تا نك

او لین قطار حامل پار نسل های تحفه‌ها را ارسال نمود و این کار تا پایان جنگ کبیر میهنی، در جبهات و اخو فسکی، کالینفسکی، جبهات شمال غرب، مرکزی و جبهه اول اوکراین، جبهه غربی ادامه داشت. ارزش مجموعی این تحفه‌ها به ۶۵ میلیون توگر یک (واحد پولی منگولیا) می‌رسید. بر علاوه از پولی که از کمک مردم منگولیا جمع آوری شده بود از آن ۵۴ عراده تا نك‌های تی - ۳۴ تولید گردید. کندک که در آن تا نك‌های مذکور قرار داشت به نام کندک تا نك‌های ((منگو - لیا ی انقلابی)) نامیده شد همچنان از این پول ها ۱۲ فرونده طیاره نیز تولید گردید که کندک طیاره مذکور به نام ((ارات منگو - لیا)) نام گذاری گردید ۱۲ جنوری ۱۹۴۳ کندک تا نك

های «منگولیا ی انقلابی» رسماً به فرقه ۱۱۲ تا نك اتحاد شوروی تسلیم داده شد. غند که در آن تا نك های ((منگولیا ی انقلابی)) قرار داشت، در ختم جنگ جهانی دوم به نام غند سوخته با تور مسی شد. کندک طیاره ((ارات منگولیا)) در سال ۱۹۴۳ در تسلیحات اردوی سرخ شامل شده این طیاره در جنگ های نواحی مسکو تا برلین شرکت ورزیدند. در سال های جنگ جهانی دوم ما لداران منگولیا در حد و دینم میلیون‌ها اسب به اردوی سرخ فروخته و ۳۲ هزار اسب دیگر رابه آنها تحفه دادند. مردم منگولیا به مردم اتحاد شوروی در تجدید ساختن اقتصاد ملی آن کشور که در جریان جنگ جهانی دوم ور شکسته گردیده بود، کمک‌های

زیاد برای او نه نمود و زحمتکشان منگولیا در سال اخیر جنگ و همچنان در سال اول بعد از جنگ به حساب کمک به مجر و حین جنگ کبیر میهنی و اطفال یتیم نیروهای مسلح اتحادشوروی (۵) میلیون توگر یک کمک از سال نمودند. ما لداران منگولیا در این مدت اضافه از ۵۰ هزار راس مواشی نسل اصلاح شده را به خاطر احیای ما لداری در اتحاد شوروی به آن کشور اهدا کرد. مردم، حزب کمونیست و حکومت اتحاد شوروی کمک‌های مردم منگولیا را به اردوی سرخ منجیت ثبوت دوستی برادرانه و پایدار مردمان منگولیا و اتحاد شوروی ارز یا بی‌نموده‌اند. از مطالب ارسال سفارت کبرای جمهوری مردم منگولیا در افغانستان

اخبار خارجی، واقعیتهای حاد

جلسه باشکوه در مسکو

شوروی و دیگر رهبران حزب کمونیست و دولتی اتحاد شوروی، در هیأتی بر جسته نظامی، قهرمانان جنگ و قهرمانان کار، سران هیأت‌های کشورهای سوسیالیستی و تعدادی از کشورهای دیگر شامل کشورهای آسیای میانه، آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و درفش تاس می‌افزاید سرود ملی اتحاد شوروی درین گرد هم آمدن، شوروی، ایراد کرد.

بهره‌های این جلسه، در روزی که چهل سال قبل بر فراز ریاست‌های شوروی و اتحاد شوروی، در فقه‌های بخش‌های قوای مسلح اتحاد شوروی وارد تالار گردید.

رفیق میخائیل گورباچف با چف‌گزارشی را تحت عنوان، «تاس می‌افزاید سرود ملی اتحاد شوروی درین گرد هم آمدن، شوروی، ایراد کرد» باختر

ملاقات دوستانه کنفرانس ناکام

امادگی برای این تندی کنفرانس سران هفت کشور عمده صنعتی سرما به داری یعنی انگلستان، فرانسه، آلمان فدرال، ایتالیا، جاپان، ایالات متحده آمریکا و کانادا با سرود صدای کرکننده و کمیابین عظیم تبلیغات همراه بود. در واقعیت امر اجندای این کنفرانس را که هفته قبل در بن آغاز گردید و بنا ریش سوم می‌خانه یافت، عین‌مو-ضوعات کنفرانس‌های قبلی این کشورها تشکیل میداد. در این کنفرانس‌ها در روزی کاغذ، اشتراک کنندگان کنفرانس که شامل سران دول، صدراعظم‌ها و وزرای خارجه این کشورها بودند نمایان روی موضوعات و پروپاگاندای اقتصادی که در این گیر و جان سرما به داریست بحث و مذاکره کنند. ولی چنانچه تجربه سه کنفرانس گذشته این کشورها نشان داد که است ایالات متحده آمریکا این بار نیز توجیه‌اش را که این کشورها را به اشتراک کنندگان را از مسائل اقتصادی منحرف ساخته و آنها را به تعویل طرح‌های سیاسی، نظامی و سترا تیریک خود وادار ساخته است. کنفرانس‌های سیاسی نیز از قبل تحت‌تأثیر مسائل سیاسی مطرح‌شده توسط ایالات متحده آمریکا، نظیر سیاست ملیت‌پرستی این کشور در مورد نظامی ساختن کیپان، بازدید ریگن از گورستان فاشیست‌ها و با لایحه تصمیم این کشور مبنی بر اعمال تحریم در عرصه اقتصاد و تجارتی علیه نیکاراگوا قرار گرفت.

نتایج نهایی کنفرانس به وضاحت نشان می‌دهد که علی‌الرغم شانتاژ و وعده‌های میان‌تبی‌رهبران ایالات متحده آمریکا در مورد کاهش کسر بودجه آمریکا، حل مسئله نرخ بلند دالر و جلوگیری از ایجاد نوسانات پولی عظیمی که بحران جهان سرمایه را عمیق‌تر می‌سازد

بهره‌های این جلسه، در روزی که چهل سال قبل بر فراز ریاست‌های شوروی و اتحاد شوروی، در فقه‌های بخش‌های قوای مسلح اتحاد شوروی وارد تالار گردید.

رفیق میخائیل گورباچف با چف‌گزارشی را تحت عنوان، «تاس می‌افزاید سرود ملی اتحاد شوروی درین گرد هم آمدن، شوروی، ایراد کرد» باختر



انسان چکوسلواکیا از زندگی شاد و پرسرگشته بر خوردار شده است. این ره‌آورد بی‌بدیل سوسیالیسم می‌باشد. عکس: انسا میل کودکان «جتر نیکا» کاخ پیشاهنگان و جوانان نهمی در چکای کریملوا در جنوب بوهمیا

تولید حد اکثر-ارزش‌های مادی و معنوی با کیفیت بهتر، یعنی ارتقا سطح تولید از نظر کمیت و کیفیت و بالا بردن ترقی جامعه و همراه با آن هر فرد این پر نسبی عام بازتاب رابطه ارگانیک تر قسسی اجتماعی با درجه صرفه‌جویی در زمان است. صرفه‌جویی در زمان نه تنها قانون نخستین اقتصادی بلکه زندگی اجتماعی نیز است و سنگ بنیاد این تکامل جامعه سوسیالیستی و کمونیستی است. همانگونه که تذکر داده شد انتسیفیکاسیون بسا انقلاب در تکنولوژی، به کار برد دست‌وردهای علم و فن بشری، راسیونل گر داندین سیستم اقتصاد و ادراجه اجتماعی و ارتقاء معیارهای آموزشی، پرورشی و تخصص‌پیوند ناگسستگی دارد. بهبود سوسیالیسم رشد یافته در اتحاد شوروی نه تنها عرصه اقتصاد بلکه تمام ارگانیسم نهایت بشر نسج زندگی اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد.

رهبری علمی و مدبرانه حزب کمونیست اتحاد شوروی در اقتصاد و دیگر عرصه‌های زندگی اجتماعی تضمین نیرومند برای ترقی پیروزی‌های عمده خلق‌های شوروی در راه انجام وظایف

بزرگ تاریخی-جهانی است. جامعه شوروی با ایجاد ارزش‌های دموکراتیک سوسیالیستی این حقیقت را متجلی نموده است که دموکراسی واقعی و تعمیم یافته سوسیالیسم می‌باشد. سوسیالیسم در اتحاد شوروی جلوه گاه کارایی عظیم فلسفه علمی-تاریخی و دانشی تکامل جهان بینی جادوان بنیاد گفتمان سوسیالیسم علمی سلاح نیرومند در دست انسان بخاطر تغییر انقلابی جهان است.

تجربه اتحاد شوروی بیان ایدئال‌های بزرگ آزادی، دموکراسی و تساوی را در کردار تحقق می‌بخشد. دموکراسی سوسیالیستی با بنادرهای انگارگرایانه، رهبریستی، او انتروستی و اراده‌گرایی فردی بورژوازی در زمینه دموکراسی، آزادی و حقوق متضاد است. در سیستم سوسیالیستی هر گام نوین در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی گامیست در سمت دموکراتیزه نمودن همان عرصه‌ها. سیستم سوسیالیسم سوسیالیستی برتری از راه عملیست به سیستم سیاسی بلور لیزم بورژوازی که بازتاب انانگونیسم طبقاتی اساسی جامعه است. نووده است. جامعه سوسیالیستی رشد یافته در اتحاد شوروی و مجموع ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و یکپارگی آن

منابع اعمار گردیده است که ۱۳ میلیون متر مربع افزایش را نسبت به سال ۱۹۸۳ نشان می‌دهد. به صورت کلی تولید اجتماعی و کیفیت تولید به میزان بزرگی ارتقا یافته است. گرایش‌های بورژوازیست مرکزی اتحاد شوروی حاکمیت که عاید ملی استفاده شده برای مصارف و انباشت به ۴۹۶ هزار میلیون روبل است. بالغ گردیده است که رقم ۱۲ هزار میلیون افزایش را نسبت به سال ۱۹۸۳ نشان می‌دهد. تولید صنعتی ۳۱ هزار میلیون روبل بیشتر از سال ۱۹۸۳ و به ۷۸۳ هزار میلیون روبل ارتقا نموده است. تولید زراعتی به ۱۳۵ هزار میلیون روبل که به متوسط سالانه ۷۰۰ میلیون روبل در سه سال گذشته افزایش نموده است. انتسیفیکاسیون تولید عامل اساسی تکامل اقتصاد ملی اتحاد شوروی در شرایط سوسیالیسم رشد یافته است. این مرحله بر بنیاد آخرین دستاوردهای انقلاب علمی-تکنولوژیک، بهبود سازمان کار، تولید و اداره و بهره‌برداری مؤثر از نیروی کار انسان، منابع مادی و مالی

که مبین پروسه انتسیفیکاسیون است. بناست نتایج آن در تکامل علوم و ترقی تکنولوژی در اتحاد شوروی به میزان بزرگی مولدیت کار اجتماعی را ارتقا بخشیده است. (تکامل علوم و سیله اساسی برای کامل کردن تکامل به افزایش سلطه انسان‌ها بر طبیعت، ثروت اجتماعی، دامنه قدرت فعالیت آنان، توانایی‌شان در اداره امور خود و اوضاع نیازهایشان کمک می‌کند). تمام تجربه پر بهای اتحاد شوروی این مسئله را مبرهن نموده است. دستاوردهای علمی اتحاد شوروی و کار برد آن در عمل اجتماعی اهمیت این مسئله را تصریح می‌کند. به دستاوردها مراجعه کنیم در سال ۱۹۸۵ در اتحاد شوروی ۴۲۰۰ نو ع نوین ماشین‌ها، تجهیزات و وسایل تولید می‌گردد که نسبت به سال ۱۹۸۴، هفت عشر به هفت درصد افزایش خواهد یافت. در حدود ۸۰۰ هزار هکتار زمین و سیستم کنترل خود کار پروسه الکتر و نیکی تولید می‌گردد و ۱۱۵۰ ست‌کامیون‌تر برای کنترل ماشین‌ها، دستگاه‌ها و وسایل نصب می‌شود که نسبت به سال ۱۹۸۴، ۵۷ درصد افزایش می‌یابد. بازده ماشین‌ها نیز با تورهای خود کار (روبات‌های صنعتی) به ۱۴ درصد افزایش خواهد یافت و تا

بزرگ تاریخی-جهانی است. جامعه شوروی با ایجاد ارزش‌های دموکراتیک سوسیالیستی این حقیقت را متجلی نموده است که دموکراسی واقعی و تعمیم یافته سوسیالیسم می‌باشد. سوسیالیسم در اتحاد شوروی جلوه گاه کارایی عظیم فلسفه علمی-تاریخی و دانشی تکامل جهان بینی جادوان بنیاد گفتمان سوسیالیسم علمی سلاح نیرومند در دست انسان بخاطر تغییر انقلابی جهان است.

تجربه اتحاد شوروی بیان ایدئال‌های بزرگ آزادی، دموکراسی و تساوی را در کردار تحقق می‌بخشد. دموکراسی سوسیالیستی با بنادرهای انگارگرایانه، رهبریستی، او انتروستی و اراده‌گرایی فردی بورژوازی در زمینه دموکراسی، آزادی و حقوق متضاد است. در سیستم سوسیالیستی هر گام نوین در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی گامیست در سمت دموکراتیزه نمودن همان عرصه‌ها. سیستم سوسیالیسم سوسیالیستی برتری از راه عملیست به سیستم سیاسی بلور لیزم بورژوازی که بازتاب انانگونیسم طبقاتی اساسی جامعه است. نووده است. جامعه سوسیالیستی رشد یافته در اتحاد شوروی و مجموع ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و یکپارگی آن

کار عظیم در سمت تدارک بر شکوه بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی توأم با استنانتا جات، ارزیابی‌ها و طراز بندی پیروزی‌های سوسیالیسم رشد یافته در شرایطی ادامه دارد که اتحاد شوروی به قلل شامخ و رفیعی از تکامل تاریخی دست یافته است. تحلیل و تبیین پسر و سه کثیر السطوح و کثیر الجوانب تکامل سوسیالیسم رشد یافته در رسانه‌های گروشی، نشریات اکادمی علوم و دیگر نهاد های علمی اتحاد شوروی بازتاب پیشگرف و در خشا نیا از خلاصیت تاریخی-جهانی خلق‌های شوروی درام ساختن جامعه طراز نوین است که تحت رهبری پیشاهنگ محراب و خردمند خویش-حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزبی که در دوره یزدگرایی نبرد های تاریخی چون پولاد ناب آید به گردیده واز پو ته از مایش های عظیم قد بر افراشته، حزبی که بنیادگذار آن لنین، وهیر داهی و آموزگار نایف پرو لاری جهان است بدان نائل گردیده اند.

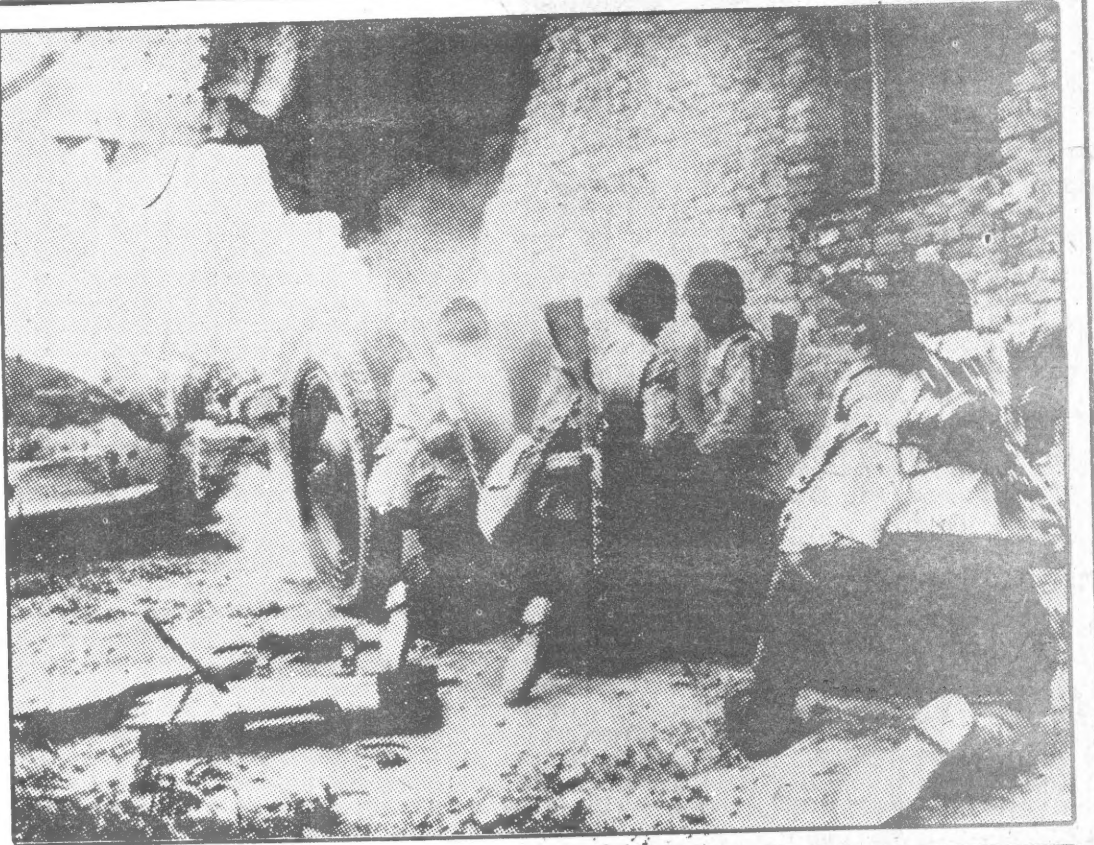
کار این نگارش تلاشیست در جهت بر جسته نمودن مبرهن گر داندین این واقعیت که اتحاد شوروی در جریان ترقی اجتماعی به مرحله تغییرات کیفی در تکامل نیروهای مولده و به بیان دیگر در مرحله گذار کیفی در تکامل انتسیفیکاسیون تولید و آمیزش سیستم سوسیالیسم رشد یافته با آخرین دستاوردهای انقلاب علمی و فنی، وارد گردیده است.

شاخص‌های رشد اقتصادی اهداف یازدهمین پلان پنج ساله در مدت زمان بیشتر از چهار سال تجسم مادی این مرحله است. صرفه جویی در منابع مادی، افزایش مولدیت کار و رشد سریع نرخ تولید به نسبت افزایش نیروی بشری، منابع انرژی و بالا بردن آن تا مین رشد محسوس سهم عوام ملل (تشدید) در افزایش‌ها به ملی است.

پیشرفت‌های اقتصادی سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۱ نشان دهنده گرایش اساسی در دست تغییرات مثبت و دینامیک انتسیفیکاسیون تولید اجتماعی است. ترقی در جامعه بدون تغییرات اساسی در عرصه اقتصادی میسر نیست. هدف نهایی ساختمان جامعه طراز نوین است که هم‌اکنون در اتحاد شوروی پروسه آن با تکامل سوسیالیسم رشد یافته متجلی است. سوسیالیسم رشد یافته به مرحله ویژه ضرورت و درازد رفاز نخستین کمونیسم است. دستاوردهای علمی اتحاد شوروی و کار برد آن در عمل اجتماعی اهمیت این مسئله را تصریح می‌کند. به دستاوردها مراجعه کنیم در سال ۱۹۸۵ در اتحاد شوروی ۴۲۰۰ نو ع نوین ماشین‌ها، تجهیزات و وسایل تولید می‌گردد که نسبت به سال ۱۹۸۴، هفت عشر به هفت درصد افزایش خواهد یافت. در حدود ۸۰۰ هزار هکتار زمین و سیستم کنترل خود کار پروسه الکتر و نیکی تولید می‌گردد و ۱۱۵۰ ست‌کامیون‌تر برای کنترل ماشین‌ها، دستگاه‌ها و وسایل نصب می‌شود که نسبت به سال ۱۹۸۴، ۵۷ درصد افزایش می‌یابد. بازده ماشین‌ها نیز با تورهای خود کار (روبات‌های صنعتی) به ۱۴ درصد افزایش خواهد یافت و تا



به افتخار پیروزی بر فاشیزم

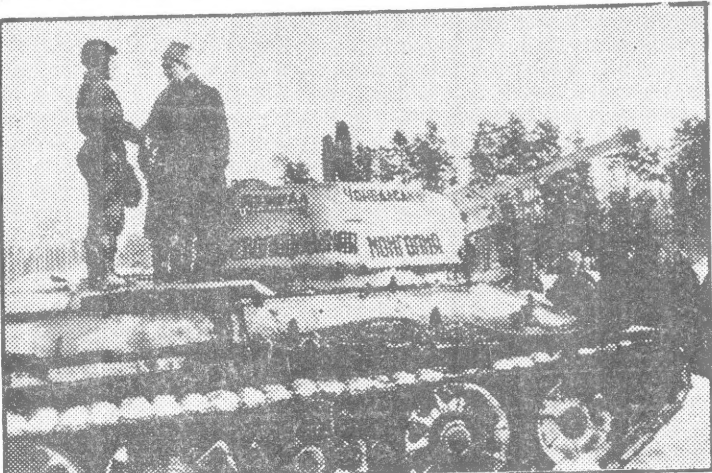


● حمله بر برلین

● میتنگ سر بازار نشودوی
در دروازه براندن بورگ
در برلین به تاریخ ۲ می ۱۹۴۵



قوماندا ن جبهه جنرال کنستانتین اوکوسو فسکی



عکس ها از کار نامه ها سخن میگویند

● اول می در خیابان های برلین - زن مبارزی از اتحاد شوروی جریان ترافیک را تنظیم میکند.
● و هم خلق منگولیا چوبیالسن تحفه زحمتکشان منگولیا را که عبارت از ۵۳ عراده اتانک میباشند به اردوی شوروی تقدیم مینماید.



کمونست ها به پیش!



السران اتحاد شوروی و یوگوسلاو یا که بلغراد را آزاد نمودند.

سر بازار نشودوی در برگشت از جنگ به خانه هایشان

قیمت یک شماره ۲۰۰ افغانی
چاپ و دب انصیت - مطبع دولتی

صندوق پستی: ۷۸۰
حساب بانکی: ۹۱۰۱۸

اداری: ۲۱۹۴۱
شکایت و توزیع: ۲۲۸۵۹

میرکسول: ۲۲۴۷۴
سویجورد: ۲۱۰۴۲

تلفونها

زیر نظر میات تحریر
میرکسول: صدیق کادون